ومن یتوکل علی اللہ فہو حسبہ

# رسالۂ سوال و جواب طیبہ

مطبع مصطفائی دہلی
مصطفا محمد خان طبع نمود

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله القریب برحمته * والبعید بعزته * وا
الصلوة علی نبیه الداعی الی توحیده * والنادی
لتسبیحه وتمجیده * وعلی آله واصحابه المتخذین
باوصافه وآدابه * اما بعد غبار نعلین اصغر خسین
بن غلام غوث احسن الله حالهما * وجعل الی
الخیر مآلهما * بواد ید ذهول طلبه از تحصیل علوم غریبه و فنون
ومطل شان در اقتناء فنون عجیبه خواست که رسائل چند دلپذیر
در السنه دیگر که از فقدان قدردان درین دیار حکم کاغذ توتیا

پیدا کرده اند بزبان پارسی که سهل است مترجم نموده کحل الجواهر
دیدهٔ بصیرت سازد لاجرم رسالهٔ ارسطوطالیس فیلسوف را که در
زبان یونانی سوالاتی چند در علم طبعی و طب است و ترجمهٔ آن رساله
موسوم بجامابال در لسان عربی گردیده است بزبان فارسی
ترجمه ساختیم تا شائقین مطارحات طبعیه را نزهت خاطر
و فسحت باطن و ظاهر دست دهد باید دانست که درین ترجمه اقتدا
صاحب بابال نکرده ام آنچه در رسالهٔ اصل که بزبان گریک
یعنی یونانی است یافتم ترجمه نمودم والله الموفق والمعین
وهو حسبی ونعم الوکیل سوال چرا بچهٔ اکثر حیوانات
دیگر سوای انسان از وقت پیدایش بر زمین میرود و مشی می کند
و حال بچهٔ آدمی چنین نیست خواب گرمی و سردی در جمیع
اعضای حیوانات برابر است لیکن در دماغ کودکان سردی
بر گرمی غالب است برای اینکه دماغ سرد و تر مخلوق شده

تا انچه از تخیلات دران منطبع شود بسهولت قبول کند و در

عهد کودکی رطوبات فضلیه می باشد و رطوبات از حرارت

بالفتح زمان ۱۲ جمع رطوبت بالضم بمعنی تری ۱۲

اثقل ست لاجرم مجال حرکت نمی یابد از انکه ابتدای حرکت از

گران تر و وزنی ۱۲

دماغ ست پس هرگاه کبیر می شود باذن حکیم علی الاطلاق

بروزن کریم بمعنی بزرگ و بالغ و مسن رسیده

ناشی و ناهض میگردد و همچنین ست حال اکثر طیور که بچهای

آنها طاقت رفتار ندارند سوال مغموم چرا می گرید

جواب غم مرض روحانی ست و بسبب الم روح منقبض و غبار

منسوب بروح ۱۲

میشود در داخل پس هرگاه در حالت انقباض بازبسوی

دماغ می گردد چیزی از رطوبات معصوره بر می آید سوال

تشنه چون بحمام رسد چرا تشنگی او فزون می شود و کسیکه

تشنگی نداشته باشد چون بحمام رسد تشنه می گردد جواب

بدن تشنه خشک ست بسبب حرارت حمام جذب رطوبت

بسوی داخل از مسام خفیه می شود و بدن سیراب تر ست

رطوبت او بسبب عرق کم می گردد سوال چرا بعد تناول طعام
تر و خشک آروغ می آید جواب هنگام تناول طعام هوا
هم فرو می رود و بجهت لطافت خود قبل از طعام منجذب
میشود بدین جهت هوا باسفل میرود و طعام بالا می باشد
پس هرگاه طعام در معده منحدر می شود بسبب ثقل خود بته
میرسد و هوا بسبب میل بکره خود بالا بر آمدن میخواهد
لهذا متحرک و مندفع بسوی فوق می شود و مورث آروغ
می گردد سوال زنی که بیماری رحم داشته باشد چرا او
غشی می افتد جواب رحم عضوی ست عصبانی و در عصب
مشارکت بدماغ دارد لاجرم باعث غشی ست سوال
زنان چرا حائض میشوند نه ماده های حیوانات دیگر*
جواب زنان از حرکات عنیفه محفوظ می باشند و
سکون و قرار اختیار می کنند و حرکت باعث تحلیل فضول

است پس چون از سکون فضلات کثیره جمع می شوند طبیعت
از بدن ستی فاضل را دور می کند تا که سبک شود و بسبب
برد مزاج شان تحلیل فضله دم نمی گردد سوال چرا در هوای
وبائی اکثر رمد عارض میگردد جواب وبا نمی شود مگر از
فساد هوا و هوا چون فاسد شد پس متاذی میکند روح را
در تمام بدن و در چشمها بنسبت سائر اعضا روح زیاده
والطف وصافی تر است بنابرین اولا فساد هوا سرایت
می کند در چشم سوال خصیتین وقت موت چرا متقلص
و سبک می شوند جواب اورده و اعصاب که از انها
روح منحدر میگردد وقت موت متقلص و سبک می شوند
پس انثیین که بآن متعلق اند نیز متقلص میگردند سوال
چرا وقت موت منی خارج می گردد جواب اوعیه منی متقلص
و ضیق میشوند از جهت انضباب منی می گردد سوال

چرا مستسقی با وجودی که شکم وی از آب ممتلی است پیوسته
آب می طلبد جواب آبی که مستسقی می نوشد در مجاری
که آنجا جای آب است نافذ نمی گردد بر مجرای طبیعی بلکه جائی
که ضرورت آب نیست مترشح می ماند لهذا مستسقی را عطش عارض
می باشد چنانکه تشنه راست سوال صاحب تشنج بعد عروض
تب چرا صحیح می گردد جواب بسبب انصباب رطوبات فضلیه
بر اعصاب تشنج عارض میگردد و حرارت تب تحلیل آن رطوبات
می نماید ازین رو صحیح می گردد سوال در حمی دوری قشعریره
چرا عارض می شود جواب حرارت طبیعی بسبب هرب از خلط
موذی متوجه داخل می شود لاجرم اعضای خارجه سرد
می شوند سوالی اکثر بعد بول از راه مثانه ریح چرا خارج میگردد
جواب بسبب امتلای مثانه بمعای مستقیم که محاذی تحت
اوست بند می شود چون مثانه خالی شد منفذ وسیع و کشاده

می گردد پس هوا از راه مثانه بسوی خارج می آید **سوال** در
موضع بهق ابیض از خلانیدن سوزن چرا
بفتحتین سپیدی که بر بدن پدید آید معروف به برص ۱۲ منه
خون بر نمی آید **جواب** حدوث این مرض بسبب خلط بلغمی
است ولونش سپید است لاجرم در لون دم و لحم سپیدی او حلول
می کند **سوال** تشنج که بعد حمی باشد چرا مهلک است **جواب**
تشنج که بعد حمی بود از یبوست است و یبس مرضی است که اصلاح
بالفتح خشکی ۱۲
پذیر نیست چون یبوست پیران **سوال** زخمهای مفاصل چرا
زود مندمل نمی شوند **جواب** اندمال از گوشت می شود و
بالکسر پر شدن و به شدن زخم ۱۲
لحم در مفاصل کم است و نیز در مفاصل اعصاب و غضاریف
واستخوان اند پس تا وقتیکه اینها حرکت کنند اتصالات مفاصل
صورت نمی بندد لاجرم مندمل نمی شوند **سوال** کسیکه در دماغ
یا اعصاب او صدمه رسد چرا ابدا بارقی می کند **جواب**
معده بسبب مشارکت عصب متألم می شود **سوال**

چرا مردان از جماع ضعیف می شوند بر خلاف زنان جواب
مردان را بسبب جماع استفراغ ماده بضرورت می شود
و زنان را بغیر ضرورت بلکه خود زیادت ماده مقتضی استفراغ
می باشد سوال سبب شبنم چیست جواب بخارات
لطیف که از بحار متصاعد میشوند آب گردیده باز می آیند
بالکسر جمع بحر یعنی دریا ۱۲
سوال چرا اسافل اکثر اهل حبش لاغر می باشد جواب
جمع اسفل مراد ازین اعضا که از کمر تا پا هستند ۱۲ منه
رطوبتی که در اجسام آنها است بسبب شدت حرارت شمس بسوی
فوق منجذب میشود لاجرم اسافل ایشان لاغر میشود سوال
چرا زنان را شهوت جماع در سرما و مردان را در گرما عارض
می گردد جواب در سرما حرارت طبعیه بسبب اشتداد سرما
حرارتیکه در طبع آدمی است ۱۲ منه
متوجه داخل می باشد بسبب هرب از برودت خارجی و در گرما
حرارت غریزیه منبسط می شود و بسوی حرارت خارجیه می آید
حرارتیکه باعث زندگی هست ۱۲
و آلات تناسل مردان خارج اند ازین سبب در گرما خواهش

کنایه از شرمگاه مردان و زنان ۱۲ منه

جماع دارند وآلات تناسل زنان در داخل اندازینجهت ذیسرما
خواهش جماع میکنند سوال برف باوجود برودت
چرا می سوزد جواب برف بسبب افراط برودت قوی را
فاسد می سازد سوال کسیکه اختلاط ذهن داشته باشد نبض او
چرا صغیر می شود وکسیکه علت سهر داشته باشد نبض او عظیم
می گردد جواب اختلاط ذهن بسبب مرهٔ صفرا یا سودا است
یعنی خلط وآمیختن ۱۲ یعنی صفرا تلخ وغیر طبعی ۱۲
واین اختلاط شریانات را صلب ویابس میکند وشریان
بالکسر رگهای که از قلب برآمده اند ۱۲
صلب از انبساط عظیم قاصر است وسهر نمی شود دیگر از بلغم
بفتحتین سخت ۱۲
بلغم بسبب رطوبت خود شریان را ملائم ومسترخی میکند و
ایمعنی موجب انبساط عظیم است وهم سهر در نفس دماغ می باشد
وازنشان او تمدد است واختلاط ذهن اکثر بسبب ورم اغشیه
کشیده شدن وکشیدن ۱۲
عارض می گردد لهذا مستلزم تمدد است وتمدد موجب
صلابت وصغر نبض است سوال کسیکه ران او مقطوع شود

چرا گاهی ستوی میشود و گاهی نی جواب در عمق سرین رباطی است
که از سر فخذ مربوط است آنکه رباطش قطع نمی شود
پای او درست می گردد و آنکه رباط او قطع شد درست نمی شود
سوال چرا سائر رطوبات از طبخ غلیظ می شوند و آب غلیظ
نمی شود جواب سائر رطوبات مختلط و مرکب اند از جوهر ارضی
که آن یابس است و آب بسیط است مختلط از جوهر ارضی نیست
و اگر هست اندکی است پس رطوبات از طبخ حرارت بسبب
لطافت مستحیل بهوا می شود و غلیظ باقی می ماند و آب منعقد میگردد
در آب اجزای متساوی اند لهذا منعقد نمی شوند سوال چرا
آب صافی لطیف از طبخ غلیظ می شود و آب غلیظ لطیف
می گردد جواب در طبخ ماء لطیف شیء الطف که در و است
به تحلیل می رود لاجرم ماء باقی قلیل اللطافة می باشد و
در آب غلیظ اجزاء لزجه آن بسبب حرارت منقطع و منفصل میشوند

ازین سبب آب صافی میگردد سوال کسیکه جسم او از آتش بسوزد
زخمش بدیر صحیح میشود جواب لحم که سوء مزاج از نار حاصل میکند
مشتاق به تبرید و تلطیف می شود و بسبب شدت وجع در
(بالفتح سرد کردن ۱۲)
قرحه رطوبات فضلیه جمع میشوند و محتاج می شوند بسوی تجفیف
(بالفتح والضم زخم و ریش ۱۲)
پس اجتماع متنافیین میشود ازین سبب صحت آن دشوار
می گردد سوال صاحب طحال را طعام ناگوار چرا می شود جواب
در طحال شریانات بسیار اند و شریانا[illegible] اند موقعیکه طحال
صلب و متحجر شد پس آب تبرید معده خواهد کرد چرا که بسبب مرض
(بضم پرسخت و سنگلاخ ۱۲ امنه)
بارد است لهذا سوء هضم می شود سوال چرا در زخمهای چشم ادویه
(بدهضمی یعنی خوب هضم نشود ۱۲)
منقیه و جالیه استعمال میکنند نه مندمله و خود بخود زخم چشم مندمل
می شود بخلاف سائر قروح که بدون اندمال مندمل نمی شوند
جواب چشم عضوی است رطب که جلد غلیظ کثیف محیط آن
نیست چنانکه در دیگر اجسام است پس بسبب رطوبت در زخمها

متنافیین یعنی دو چیزی منافی یکدیگر باهم موافق نباشند بلکه مخالف ۱۲ منه سلمه الله تعالی

طحال بالکسر [illegible] ۱۲

جالیه یعنی پاک کننده [illegible] ۱۲ منه

[illegible] رطوبت از جرح و دفع [illegible] از سطح عضو و [illegible] ۱۲ منه سلمه الله تعالی

مندمله [illegible] ۱۲ منه

قروح جمع قرحه ۱۲ منه سلمه الله تعالی

فضول کثیره مجتمع می شوند بنجهت محتاج به تنقیه و جلا هستند و بسبب
اینکه محاط بجلد غلیظ و کثیف نیستند محتاج بادویهٔ مندمله نیستند
سوال ماهی در آب زنده می باشد و چون بهوا آید می میرد جواب
مزاج دل ماهی سرد است پس محتاج بسوی جذب هوا بکثرت نیست
و در دریا بسبب غلظت آب هوای قلیل مستنشق می شود پس چون
ماهی در هوا رسید هوای بارد کثیر استنشاق خواهد کرد و اینمعنی
موجب مرگ او خواهد بود سوال دست راست از دست چپ
قوی تر و جسیم تر می باشد جواب حرکت دست راست
کثیر است به نسبت حرکت دست چپ و کثیر الحرکت غذای کثیر
قبول میکند و این معنی موجب فربهی و نموّ در اعضا می گردد
بضمتین گوالیدن و بالیدن
سوال بار ثقیل چرا بر دوش چپ زیاده نهاده
بالفتح گران
میشود به نسبت دوش راست جواب جانب چپ بسبب
قلت حرکت متحمل بار قوی میتواند شد چرا که بسبب قلت حرکت

از اعصاب او رطوبت کم فنا گردیده است ازین سبب قوی
میباشند سوال بعد خوردن لقمهٔ کلان چرا کهنک عارض
می شود جواب در حالت بلع هوا از خارج بسبب لطافت ازل
منحدر می گردد و هرگاه طعام در معده نازل شود هوا میل
بکرهٔ خود نموده بالا بر آمدن می خواهد و راهی نمی یابد بسبب
کلانی لقمه پس طبیعت کوشش می نماید که او را وا رهاند
لیکن نمیشود و این معنی موجب کهک می گردد سوال هکک
از حبس نفس چرا دفع می گردد جواب نفس چون محتبس شد
در قلب کثرت حرارت خواهد گردید و انمعنی موجب سخونت
معده خواهد شد پس سبب کهک زائل خواهد شد سوال
چرا آب چاه در سرما گرم و در گرما سرد می باشد
جواب بسبب برودت سرما حرارت گریخته بعمق زمین
می رود و در گرما بسوی خارج میل کند و عمق آن بارد می گردد

سوال چون برد اطراف از برودت خارجیه باشد وقت
رسیدن بگرمی آتش چرا متاذی میشود جواب در زمانهٔ
متصل سوء مزاج مختلف بهم میرسد چنانکه بعض اجزا را بارد و بعض ابرد
بدی مزاج یعنی متغیر شدن مزاج از حالت اصلی خود ۱۲
حار میرسد و اختلاف مزاج موجب وجع و ایذا است سوال
در همچو حالت خاصه در بیخ ناخن چرا وجع محسوس میشود جواب
چون انگشتان را بعد شدت برودت از آتش گرم می کنند
پس وجع بسبب تفرق اجزای میشود پس بعضی اجزا یعنی
بالفتح جدا شدن ۱۲
حار منبسط میشوند و بعض اجزا یعنی بارد منقبض میگردند
و حس وجع در شیء لین که از انجا منفصل شود کم است
بتشدید یاء نرم ۱۲
از حس وجع که بسوی شیء صلب مثل ناخن وغیره گریزد
سوال چرا بعض مردمان را از خوردن فلفل کهک
مرچ ۱۲
عارض میگردد و بعضی را عارض نمیگردد جواب
معدهٔ بعض اشخاص حار می باشد پس حرارت فلفل هیجان

آن حرارت می‌کند پس طبیعت از دفع آن قاصر میشود لاجرم
بورث بکهک می‌گردد و معدهٔ بعضی مملو از فضلات
بلغمیه است پس آنرا از فلفل ایذا نمی‌رسد **سوال** چرا بعض
از نباتات در گرما و بعضی در سرما و جملگی نباتات در
روئیدگی‌ها ۱۲
ربیع پیدا می‌شود **جواب** غذای نباتات در اسافل زمین
و در اعالی هوا است و نباتات که غلیظ و یابس باشند
مراد از شاخ و برگ و تنه درخت وغیر آن ۱۲ منه
غذای او نیز اغلظ و ایبس میباشد هر که در گرما زمین
مرطوب اغلظ و ایبس میگردد لاجرم انقسم نباتات
در گرما می‌رویند و نباتات که الطف و ارطب اند غذای
آن هم ارطب و الطف است و در موسم سرما زمین
و هوا هر دو الطف و ارطب است لهذا در سرما اینچنین
نباتات اکثر می‌شوند و در ربیع جمیع نباتات می‌رویند
چرا که هوا ارطب و زمین معتدل در حرارت و برودت است

از جمیع نباتات هر قسم خصوصًا معتدله دران زمان میرویند

تَمَّ الکِتَابُ بِعَوْنِ المَلِکِ الوَهَّابِ * وَالمَرجُوُّ مِنْ رَبِّ

الاَرْبَابِ * اَنْ یَّکُوْنَ هٰذِهِ الوَجِیزَۃُ مَحْبُوبًا عِنْدَ اُولِی الاَلْبَابِ *

وَمَنْ یَّتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهٗ * وَنِعْمَ الوَکِیلُ *

وَاٰخِرُ دَعْوٰنَا اَنِ الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العٰلَمِینَ *

بعد گلدسته بندی سپاس بیقیاس ربِّ العالمین و نغمه سرائی نعت قدسی آیات جناب سید المرسلین احمد مجتبیٰ و محمد مصطفی صلی الله علیه و علی آله الطاهرین و اصحابه الراشدین

میگوید بندهٔ سراپا عصیان محمد مصطفی خان ولد حاجی محمد روشن خان

روّح الله روحه فی الجنان که رساله سوال و جواب طبیه از افادات جامع

معقول و منقول حاوی فروع و اصول قدوهٔ حکما روزگار زبدهٔ

الاطبای اعصار مولوی حکیم اصغر حسین جعل الله اٰمالهٗ فی النشأتین

محض بپاس خاطر عاطر شان که در باب طبعش با راقم اکثر محرک رسل

و رسائل می بودند و بیشتر درین خصوص جهد تمام و مبالغه ما لا کلام

کتاب بدربار شاه نام نامی این
بخشنده ابتدا از خدای
خداوندگان آنست که شود
این مختصر مطبوع نزد اصحاب
عقل و کیسه کار خود را گذارد
بر خدای تعالی این خدا بس است
او را و بهتر وکیل است
آخر دعوای ما همین است که جمله
سپاس ثابت است مر خدای را
که پروردگار عالمیان است ۱۲

میشوند در مطبع مصطفائی واقع بیت السلطنت لکهنو محله
محمود نگر زیر اکبری دروازه بتاریخ بستم ماه ربیع الاول عمت
برکاته بین اهل العلم والعمل سنه ۱۲۶۰ هجری بحلیهٔ طبع رسید

مثنوی تاریخ صوری و معنوی طبع زاد میر ناصر علی نصیر سلمه الله القدیر

| | |
|---|---|
| بطبع این نسخه چون مطبوع گردید | بطبع کاملان مطبوع گردید |
| بصورت گر سوال با جواب اند | بمعنی بی مثال و لا جواب اند |
| شدم در فکر هاتف گفت فی الحال | هزار و دو صد و شصت آمده سال ۱۲ ۶۰ |

قطعهٔ تاریخ دیگر از برادر عبد الرحمن خان اذاقه الله حلاوة کمال الایمان

| | |
|---|---|
| این چند سوال با جوابش | شد طبع که نافع طبیب است |
| تاریخ ندیده روی امراض | دل گفت که نسخهٔ عجیب است ۱۲ ۶۰ |